

بسمه تعالی

نقشه‌خوان سه‌م ۲۰۳۰ در حوزه سلامت و تغذیه و فقر و ...

مطالعه و بررسی دقیق تاریخچه تحول چند ده ساله تنظیم و تکمیل سند ۲۰۳۰ که از سند ۲۱ که با شعار زیبای حفاظت از محیط زیست و کره زمین شروع شده و پس از اجرای ۲۰۳۰ در نهایت به چشم انداز ۲۰۵۰ امریکا خواهد رسید

و تحلیل دقیق رفتار و عملکرد سازمان ملل و نهاد های وابسته به آن مثل یونسکو بعنوان بازوی اجرایی نظام استکبار در ۷۰ سال گذشته نشان می دهد این سند در مسیر تحقق اهداف زیر در جهان تنظیم شده است:

- ۱ - پروه جهانی سازی
- ۲ - نظم نوین جهانی
- ۳ - کنترل جهان
- ۴ - کنترل جمعیت
- ۵ - توسعه مذهب واحد لاییک جهانی
- ۶ - کنترل آب، غذا و دارو سلامت (با نفوذ و تراریخته کردن) دستکاری ژنتیکی شده) محصولات کشاورزی ایران جهت کنترل زیر ساخت های کشاورزی ، دامپروری و بیمار کردن ملت و توسعه طب شیمیایی
- ۷ - نابودی طب سنتی، ایرانی، اسلامی
- ۸ - کنترل ذهن مردم دنیا
- ۹ - اختلال سبک زندگی اسلامی ایرانی به سبک زندگی غربی
- ۱۰ - تهدیدات نوین بیولوژیک، ترورهای بیولوژیک و بیوتروریسم.

اهداف پنهان پشت سند ۲۰۳۰

- الف - نظام استکبار و سلطه قصد سیطره بر تمام جهان دارد.
- ب- دشمنی آنان با اسلام و ایران قطعی است.
- ج- آنها با همه توان قصد بر اندازی نظام جمهوری اسلامی را دارند
- د- طی ۳۹ سال گذشته با جنگ سخت و ترور و تحریم به نتیجه نرسیده اند

۵- نظام ایران با جنگ سخت ساقط نمی شود پس جنگ هوشمند و نرم را شروع کرده اند.
۶- جنگ نرم بسیار خطرناک تر از جنگ سخت است چون خزنده و دو پهلوست و ابزار و زبان آن فریبده و زیبا و مجریان و سربازان آن در درون نظام خواهند بود.

برای اجرای اهداف نظام سلطه و به تسلیم کشاندن کشورها و مردم آزاد و مستقل راه جدیدی را برگزیده اند که با طی ۴ مرحله به هدف می رسد:

- ۱- تغییر افکار، و ارزش ها و اعتقادات یک ملت که منجر می شود به:
- ۲- تغییر باورهای یک ملت که منجر می شود به:
- ۳- تغییر رفتار مدیران و مردم که منجر می شود به:
- ۴- تغییر ساختار یک کشور یعنی خالی کردن هویت نظام از درون و ماندن فقط نامی از جمهوری اسلامی و در واقع سقوط نظام

هدف اجرای ۲۰۳۰ در واقع رسیدن به چشم انداز ۲۰۵۰ یعنی اجرای ۴ گام فوق است

و برای اجرا طبیعی است باید از نظام آموزشی شروع کرد
تا تغییر افکار و ارزش ها و اعتقادات و باورها و در نهایت به تدریج دین و فرهنگ نسل آینده چنان تغییر کند که ملتی تربیت شود تسلیم نظام سلطه و لائیک

تهدیدات و عواقب اجرای سند ۲۰۳۰ در حوزه سلامت:

با توجه به تخصص اینجانب در حوزه سلامت و تهدیدات نوین بیولوژیک بر علیه ملت مسلمان ترجمان و خروجی اجرای این سند را بسیار خطرناک میدانم و هشدار میدهم اجرای این سند بطور تدریجی سبب نابودی سبک زندگی اسلامی ایرانی شده و حاصل جامعه ای بیمار و و انسان ها و خانواده های خود باخته از هم پاشیده خواهد شد.

جهت مستند نمودن موضوع به چند مصداق در حوزه غذا و سلامت در این سند اشاره می کنیم.

هر چند مانند همه اسناد سازمان ملل این سند نیز با ادبیاتی چنان زیرکانه، هوشمندانه و دو پهلو تنظیم شده است که با خواندن سند توسط مردم و حتی متخصصی که بازی های پشت پرده نظام سلطه و روش های استعمار نوین را را نمی دانند و یا با حرفه و ادبیات سند نویسی سازمان ملل و نهاد های آن آشنا نیستند خواهد گفت: سند ۲۰۳۰ که بسیار خوب است؟ کجایش اشکال دارد؟

رفع فقر و گرسنگی و تبعیض و توسعه رفاه و صلح و عدالت بهداشت و سلامت و ...

بله آنها استاد فریب مردم و حتی متخصصین هستند.

۷۰ سال سابقه تلخ و تاریک سازمان ملل و نظام سلطه این را نشان می دهد که چه کرده اند.

از ۱۷ هدف اصلی این سند فقط به چند هدف که مرتبط با تخصص ما هست اشاره می کنیم:

در واقع ترجمان واقعی و اهداف نهفته در پشت این کلمات زیبا را ببینید:

ابتدا هدف نوشته شده بعد ترجمه واقعی هدف اجرای این هدف :

Goal 1: End poverty in all its forms everywhere

ترجمه : پایان دادن به هر نوع فقر در همه جا.

هدف پنهان در این کلمات زیبا و فریبنده :

کنترل اقتصاد کشور توسط بانک های سرمایه داران نظام سلطه، بانک جهانی، صندوق جهانی، سلطه الکترونیک در نظام بانکی کشورها، ارز، انتقال منابع و سرمایه ها و دارایی های مردم.

هدف دوم :

Goal 2: End hunger, achieve food security and improved nutrition and promote sustainable agriculture

ترجمه هدف : پایان گرسنگی، امنیت غذایی، افزایش سطح تغذیه و توسعه کشاورزی پایدار

هدف پنهان در این کلمات زیبا و فریبنده :

کشاورزی مدرن یا روشن تر تراریخته کردن کشاورزی و غذای کشور یعنی محصولات دستکاری شده ژنتیکی؟ نفوذ بذرها و کمپانی های کمپانی های صهیونیستی کنترل غذا بر جهان مثل کمپانی صهیونیستی، مونسانتو سینجنتا بنیاد راکفلر که در واقع سلطه بر غذا و سلامت .

این یعنی اجرای توصیه هنری کیسنیجر صهیونیست معرف که در سال ۱۹۷۴ در پروژه امنیت ملی

امریکا NSMM200 گفت:

برای کنترل دولت ها از ابزار نفت و برای کنترل مردم از ابزار غذا استفاده کنید.

حال روشن می شود چرا اینهمه در این چند سال از توسعه کشاورزی تراریخته در ایران حمایت شده و می شود؟ چون یکی از اهداف ۲۰۳۰ سلطه بر غذای کشورهاست و یعنی بیمار کردن مردم. در حالی که این دقیقا نقطه مقابل ابلاغ مقام معظم رهبری در بند ۸.۱ سند محیط زیست کشور به مسئولین نظام است که فرمودند :

توسعه کشاورزی سالم و ارگانیک

چرا دقیقا بر خلاف ابلاغیه رهبری عمل می شود؟

اما هدف ۴ : سلامتی برای همه در همه سنین

اهداف پنهان سر این جمله زیبا و پسندیده :

سلطه پزشکی و صنایع و کمپانی های عظیم مافیایی دارویی و شیمیایی بر سلامت جامعه. تجارت با سلامت مردم

محو طب ایرانی سنتی اسلامی و جایگزین کردن صد در صد طب غربی برای سود و تجارت

جمع بندی:

هشیاران بصیر و بیدار پشت پرده ها را می بینند نیات پلید درون این سخنان زیبا را می بینند و فریب ظاهر را نمی خورند

همچنان که اشکارا پائول مک گوئر در کتاب **the babylone code** می نویسد:

سازمان ملل از کسی اجازه نمی گیرد بلکه دستور صادر می کند که همه کشورهای کره زمین باید ۱۷ هدف

اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی سند ۲۰۳۰ را باید برای تغییر جهان و نظم نوین جهانی بپذیرند و اجرا کنند

آنان که می گویند این سند الزام آور نیست ؟ در حالی که چند جا مسئولین کشور تعهد داده اند که تماما اجرا خواهد شد؟

ادعا می شود آن بخش ها که منطبق با دین و فرهنگ ما نیست اجرا نمی شود؟

در حالی که شاهد حذف مطالب ارزشی از کتابهای درسیب کودکان و حاکمیت ارزش های مندرج در ۲۰۳۰ در جامعه هستیم

در حالی که شاهد تراریخته کردن کشاورزی هستیم

در حالی که طب اسلامی سنتی ایرانی در عزلت و بی توجهی است

در حالی که سبک زندگی مردم مختل شده و سلامتی جسمی، روحی، روانی و اجتماعی مناسب نیست

و بنده بعنوان کسی که ۳۲ سال در تخصص بیوتکنولوژی پزشکی و مهندسی ژنتیک تهدیدات نوین در حوزه بیولوژیک و بیوتورویسم خزنده بر علیه ملل مسلمان تجربه کسب نموده ام بطور ملموس این تهدید جدی را حس و لمس می کنم که اجرای این سند یعنی تسلیم شدن در مقابل نظام سلطه.

پیشنهادات :

- ۱- ما معتقدیم نظام مستقل و آزاد جمهوری اسلامی ایران هرگز عزت خود را با اجرای این سند به ذلت تبدیل نخواهد کرد.
- ۲- ما سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را داریم چه نیازی به این سند؟
- ۳- ما معتقدیم چرا باید همیشه مقلد باشیم . ایران با هزاران سال سابقه تمدن و فرهنگ و دانش و اسلام حاوی دستورات الهی و دانشمندان و نخبگان و بزرگان فیسوفان و علما باید برای آنان سند تحول توسعه بنویسد. ما پیشنهاد کردیم ما باید برای آنان سند تحول و توسعه جهان عاری از جنگ ، انسان متعالی و سالم را بنویسیم. ما باید به آنان درس اخلاق و معرفت و تقوی و آموزش بدهیم با دید الهی و معارف عظیم قرانی و احادیث و علوم اسلامی ایرانی؟ انها جیره خوار علوم و معارف و فرهنگ ما بوده اند و هستند؟ چرا به خود نمی آییم؟ چرا خود را باور نمی کنیم؟ چرا احساس عجز و حقارت می کنیم؟
- ۴- ما معتقدیم سبک زندگی اسلامی ایرانی باید در کشور توسعه یابد و نهادینه شود.
- ۵- سامانه سبک زندگی اسلامی ایرانی شورای عالی انقلاب فرهنگی و «کمیسیون تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی- ایرانی» مربوطه به دستور رهبری تشکیل شده است ولی آنچه آنکه باید فعال نیست (<http://szei.farhangolm.ir>) در بند ۴ از پیوست حکم انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۹۰/۳/۱۷ ایجاد شده و امید است با فعال تر شدن آن بجای اجرای سند ۲۰۳۰ جامعه را بسوی ارزش های اساسی انقلاب و نظام و امام و رهبری هدایت کنیم و جلو این اختلال را بگیریم.
- ۶- ما چند سال است جنبش ملی اصلاح سبک زندگی و اصلاح الگوی مصرف را آغاز کرده ایم که با حمایت مراجع، علما، دانشمندان مدیران و مسئولین امیدواریم به اهداف عالییه مندرج در آن برسیم. آدرس کانال جنیش : <https://t.me/proffessorkarami>

برنامه آموزش ۲۰۳۰ بر مبنای سه توافقنامه جامع بین‌المللی شکل گرفته است که عبارت‌اند از:

۱- توافقنامه مسقط که در نشست جهانی آموزش برای همه، در ۱۴ می در مسقط عمان (با حضور وزیر آموزش و پرورش وقت جمهوری اسلامی ایران) به تصویب رسید،

۲- بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون کره جنوبی که در مجمع جهانی آموزش برای همه، در می ۲۰۱۵ در کره جنوبی به تصویب رسید،

۳- دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار که به عنوان قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس سران (توسط روسای دولت‌ها) در سپتامبر ۲۰۱۵ در نیویورک به تصویب رسید.

یونسکو دارای سه نقش اصلی در تحقق آموزش ۲۰۳۰ است:

- 1- 1- هدایت هماهنگی و ایجاد شراکت و همکاری،
- 2 - ۲- بازبینی، نظارت و گزارش دهی در مورد پیشرفت‌های انجام‌شده در زمینه اهداف آموزشی و
- 3 - ۳- تقویت دولت‌های عضو در اجرای دستور کار جدید.

آموزش که هدف چهارم دستور کار را تشکیل می‌دهد نقش اصلی و محوری در تحقق اهداف دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار دارد. در این دستور کار، آموزش فقط به هدف چهارم محدود نیست بلکه در تحقق اهداف دیگر نیز نقش کلیدی دارد که عبارت‌اند از:

پایان بخشیدن به فقر (هدف اول)،

بهداشت و رفاه انسانی (هدف سوم)،

برابری جنسیتی (هدف پنجم)،

کار شایسته و شرافتمندانه (هدف هشتم)،

تولید و مصرف مسئولانه (هدف دوازدهم) و

کاهش تغییر اقلیم (هدف سیزدهم).

یکی از تعهدات جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی، برنامه آموزش ۲۰۳۰ است. در این راستا دولت جمهوری اسلامی ایران اقدامات ذیل را به منظور اجرایی کردن برنامه آموزش ۲۰۳۰ انجام داده است:

۱- تشکیل کارگروه ملی برنامه آموزش ۲۰۳۰ با مسئولیت وزیر آموزش و پرورش و حضور نهادها و دستگاه‌های سهیم (از جمله وزارت علوم، بهداشت و...) در امر آموزش (تصویب‌نامه هیئت دولت، به شماره ۷۶۴۰۳/۵۲۹۱۳ مورخ ۲۵/۶/۱۳۹۵) به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش

۲- تشکیل ۳۰ کارگروه ملی با تمرکز بر وزارتخانه‌ها و نهادهای: آموزش و پرورش؛ علوم، تحقیقات و فناوری؛ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری؛ دانشگاه‌های فرهنگیان، فنی- حرفه‌ای و علمی - کاربردی و...

۳- تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران که با حضور وزرا و معاونین وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، کار، رفاه و تأمین اجتماعی، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و نمایندگان نهادهای تخصصی ملل متحد از جمله یونسکو، یونیسف و... نیز اعضای کارگروه‌های تخصصی سند آموزش ۲۰۳۰ در تهران مورخ ۲۰/۹/۱۳۹۵ رونمایی گردید.

هدف فراگیری که در چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ مورد تأکید قرار گرفته است (هدف چهارم): تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه است. بر این اساس، دولت‌ها مکلف شده‌اند از تمامی ابزارها برای تحقق این هدف استفاده کنند. چند اصل بنیادی برای تحقق این هدف در نظر گرفته شده است که خطمشی کلان چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ را مشخص می‌کند، این اصول عبارت‌اند از:

در همان سال با توجه به اتمام برنامه مذکور، یونسکو به عنوان متولی امر، برنامه دوم را تحت عنوان «برنامه آموزش ۲۰۳۰» در اجلاسی که در اینچئون کره با حضور سران و وزرای آموزش و پرورش کشورهای عضو برگزار شد، مطرح کرد. این برنامه پس از تصویب برای بررسی نهایی به اجلاس روسای جمهور در نیویورک ارسال شد که مورد تأیید آن‌ها نیز قرار گرفت.

مغایرت های سند ۲۰۳۰ با اسناد بالادستی ایران

۱-۲ مغایرت با قانون اساسی

از منظر نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین قانون، قانون اساسی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۷۷ صریحاً اشاره می‌کند که «**عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد**». در این خصوص از شورای نگهبان به عنوان مفسر رسمی و قانونی نام می‌برد.

ماده ۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.» بنابراین اگر تعهدی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود، ما تابع آن هستیم. هرچند در اصول دیگری هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر این مسئله تأکید شده، مانند اصل ۱۲۵ قانون اساسی نیز به این موضوع تأکید دارد و تکلیف قوه مجریه را مشخص می‌کند، در این اصل صراحتاً مقرر می‌دارد که: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست.»

با توجه به محور بودن تساوی جنسیتی و حقوق بشر در سند ۲۰۳۰، مسئله مهم‌تر این است که دادن این‌گونه تعهدات بین‌المللی بدون تصویب در مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری کشور، خود زمینه‌ساز فشارهای بین‌المللی و تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل علیه کشور ایران به بهانه‌های حقوق بشری خواهد شد. هرچند که دبیر کمیسیون ملی یونسکو در ایران بایان اینکه سند ملی آموزش به هیچ‌وجه محرمانه نبوده و ۳۰ کارگروه در تدوین این سند مشارکت داشته‌اند؛ گفته است: «بعد از اعمال نظرات کارشناسان متعدد و تنظیم ویرایش نهایی به صورت لایحه توسط دولت به مجلس می‌رود تا به عنوان مصوبه قانونی برای اجرا ابلاغ شود.»

سؤالی که مطرح است اینکه چرا قبل از اینکه این سند به تصویب مراجع قانونی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی برسد، دولت آن را به اجرا گذاشته؟ آیا نمایندگان مجلس که اکنون مشغول بررسی و تصویب برنامه ششم هستند، نسبت به این مسئله آگاهی دارند؟ از سال ۹۴ دولت تعهد کرده سند ۲۰۳۰ یونسکو و شاخص‌های ۱۷ گانه آن را اجرا و مطالبات آموزشی سازمان ملل را وارد کتب درسی و آموزشی کشور کند.

علاوه بر اصول ذکرشده قانون اساسی، این سند با بسیاری از اصول قانون اساسی همخوانی ندارد، از جمله اصول ۳، ۴ و ۱۵۳ که بایدها و نبایدهای بسیار مهم داخلی و بین‌المللی است، به‌طور مشخص قاعده‌ای در فقه داریم به نام «قاعده نفی سبیل» که این قاعده راه نفوذ، سلطه و تسلط بیگانه بر مسلمین را باز نگذاشته است و در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست، در همین رابطه در این سند با عناوینی مواجه می‌شویم که با اساس مباحث ما در تعارض آشکار است، در این خصوص آمده است: «هدایت و رهبری و محوریت نگاه یونسکو در این اسناد باید موردتوجه قرار گیرد». چنین چیزی را در مباحث حقوقی به راحتی قابل‌پذیرش نیست. همچنین این سند با اصول ۲۱، ۱۹، ۲۰، ۵۶، ۸۵، ۸ و ۱۰ قانون اساسی مغایرت دارد.

۲-۲- ارائه اطلاعات آموزشی به یونسکو

تعهداتی که ایران در پذیرش سند مذکور ملزم به اجرای آن شده، قابل تأمل است. از جمله آن‌ها می‌توان دسترسی آزاد یونسکو و مجامع بین‌المللی به اطلاعات آموزش و تربیتی کشورمان اشاره کرد. ایران در این سرخ متعهد شده که آمارها و اطلاعات موردنیاز یونسکو را به صورت منظم و دوره‌ای در اختیار آن سازمان بگذارد. کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ موظف است گزارش پیشرفت کار و نحوه همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط را سالانه به هیئت‌وزیران ارائه کند که با تأیید آن‌ها گزارش نهایی برای گروه ملی یونسکو جهت ارسال به مراجع بین‌المللی فرستاده خواهد شد. چنان‌که وزیر علوم تصریح کرده سالانه باید این اطلاعات ارسال شود و نگرانی این است که این اطلاعات در اختیار نهادهای جاسوسی دنیا به ویژه سیا و موساد قرار گیرد که با مسائل امنیتی کشور سازگار نیست.

۲-۲- وجود کلمات و عبارات نامفهوم

یکی از اساتید دانشگاه در خصوص متن این سند می‌نویسد: دربندهای مختلف سند ۲۰۳۰، شاهد وجود کلمات و عبارات «مبهم» و «چندیپلو» هستیم که قابلیت تفاسیر متعدد و بعضاً علیه کشور را دارد. به همین دلیل روشن نیست که چه مرجعی تفسیر آن را بر عهده دارد. وی بایان اینکه عمده‌تاً مرجع تفسیری این اسناد در خود سند ذکر نشده است در هنگام ابهام و اختلاف باید به کدام سازمان بین‌المللی ذی‌ربط مراجعه شود، اظهار داشت: در این مواقع ما عملاً با تفسیرهایی خارج از چهارچوب‌ها و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی به ویژه اصول ۳ و ۴، مواجه می‌شویم.

به‌طور مثال در بند چهارم این سند از تضمین بازبینی کتب و برنامه‌های آموزشی بر اساس باورهای فرهنگی یونسکو نظیر حقوق بشر و تساوی جنسیتی آمده است: «تضمین بازبینی کتب و برنامه‌های درسی، بودجه و سیاست‌گذاری‌های آموزشی و همین‌طور آموزش معلمان و نظارت بر فعالیت‌های آنان توسط دولت‌ها به نحوی که موارد یادشده عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشند و در ترویج تساوی، عدم تبعیض، حقوق بشر و آموزش بین فرهنگی مؤثر واقع شوند».

یا در یکی دیگر از اهداف این سند به مفهوم شهروند جهانی اشاره شده و آمده است: «ایجاد و نشر اقدام‌های بهینه در زمینه آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی در درون و مابین کشورها به منظور اجرای بهینه برنامه‌های آموزشی و تقویت همکاری‌ها و تفاهم بین‌المللی».

۲-۲- الزام ایران به اجرای این سند

در آذرماه سال جاری در رونمایی از سرخ یونسکو وزیر علوم گفته است که کشورها متعهد شدند از اول ژانویه ۲۰۱۶، برنامه‌ریزی لازم برای عملیاتی کردن این برنامه و ادغام آن در سیاست‌های کلان ملی مربوط به توسعه پایدار انجام دهند که ایران نیز یکی از کشورها است. در همین راستا، هیئت دولت نیز در اواخر شهریورماه ۹۵ برای کمک به اجرای این برنامه، لزوم مشارکت تمام وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط را به تصویب رساند.

۲-۵- افزایش فشارهای بین‌المللی

با پذیرش این سند توسط دولت و با توجه به اینکه برخی از محتوای این سند با اسناد بالادستی و قوانین اساسی و مبانی دینی مغایرت‌هایی دارد و با توجه به محوری بودن تساوی جنسیتی، حقوق بشر در سند ۲۰۳۰، اینکه این که هر یک از آنها تعارضی آشکار با نظام دینی و قوانین داخلی دارد، پیامدهایی را به دنبال دارد، از جمله اینکه دادن این‌گونه تعهدات بین‌المللی بدون تصویب در مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری کشور و عدم اجرای این‌گونه تعهدات توسط دولت، خود زمینه‌ساز فشارهای بین‌المللی و تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ملت ایران به بهانه‌های حقوق بشری خواهد شد. این قطعنامه‌ها آثار مخربی بر کشور دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد.

۲-۶- خصوصی‌سازی مدارس

خصوصی‌سازی مدارس را نیز باید در جهت اجرای این سند ۲۰۳۰ ارزیابی کرد. رئیس‌جمهور سال ۹۴ در آیین نکوداشت مقام معلم تأکید می‌کند «آموزش و پرورش باید به تدریج و گام به گام از حالت دولتی بودن خارج شود». درحالی‌که خصوصی‌سازی مدارس و سلب اختیار از دولت‌ها و حاکمیت کشورها مهم‌ترین ویژگی سند آموزشی ۲۰۳۰ از سوی یونسکو و در راستای اهداف نظام سرمایه‌داری جهانی است و مهم‌ترین دستاورد آن نفوذ جریان‌ها و منابع روشنفکری و سکولار در فضای آموزشی و تربیتی کشور بر مبنای آموزه‌های غربی است.

ضمن آنکه رهبر معظم انقلاب نیز تأکید دارند ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به نام «نظام سلطه بین‌المللی» مواجه هستیم که برای نسل جوان ملت‌ها به ویژه ملت ایران برنامه دارد؛ بنابراین برنامه ریزی نظام آموزشی به شیوه تقلیدی و رونویسی از دست غربی‌ها کاری اشتباه است.

خطر خصوصی‌سازی و خارج کردن آموزش و تربیت از دست نظام جمهوری اسلامی هم بارها از سوی رهبر انقلاب تذکر داده شده است، اما واگذاری آموزش در این سند تدارک دیده شده است می‌توان گفت این سند در صورت اجرایی شدن در نهایت نظام آموزشی ایران را از دست حاکمیت خارج خواهد کرد. همچنین خصوصی‌سازی مدارس مغایر با اصل ۳۰ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

همچنین در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری آمده است: «امور حاکمیتی، آن دسته از اموری است که تحقق آن‌ها موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود». بر اساس قانون، امور دفاعی، قضایی، بهداشت و همچنین آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای در زمره امور حاکمیتی محسوب شده‌اند. همچنین به استناد بند «ل» این ماده امور حاکمیتی به دلیل حساسیتی که دارند و با توجه به عمق حکمرانی هر نظام، کلاً یا بعضاً قابل‌واگذاری به بخش غیردولتی نیست.

۲-۷- شکاف جنسیتی

یکی از ایرادات سند یونسکو، بحث «شکاف جنسیتی» است. این سند با آمار و تحلیل‌هایی خلاف واقع در چند جا ایران را به داشتن شکاف جنسیتی در حوزه آموزش متهم کرده است. در این مورد آمده: «وجود شکاف جنسیتی در پذیرش دانشجویان در مقطع ارشد و دکترا»، «وجود شکاف جنسیتی در میزان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها» و «استفاده نشدن از زنان فارغ‌التحصیل دارای تحصیلات عالی». چنانچه در متن این سند، برای برون‌رفت از این شکاف جنسیتی در آموزش راهکار هم ارائه شده است: «ممانعت از ازدواج دختران در مناطق روستایی و شهرهای کوچک به عنوان مانعی برای دستیابی دختران به آموزش». این مسئله با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در تعارض است.

۸-۲- فقدان ساختار سند ملی

همچنین نام‌گذاری این سند تحت عنوان سند ملی به لحاظ حقوقی دارای اشکال و ایراد است چراکه سند ملی محصول مطالعه، تهیه و تدوین دستگاه‌های ذی‌ربط و بازمینی و تصویب یک نهاد فرا دستگامی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی هست که این فرآیند طی نشده و اصولاً به دلیل وجود اسناد بالادستی در کشور نیازی هم به سند ملی دیگری نیست. همچنین این سند به لحاظ مدیریتی و سیاست‌گذاری، ساختار یک سند را ندارد و دارای اشکالاتی فراوان فنی و روشی است.

۹-۲- مغایرت با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور

آنچه مهم است رابطه میان این سند و اسناد بالادستی در کشور است. در بخشی از این متن نیز به اسناد بالادستی اشاره شده و آمده است: «تعهدات و اقدامات ایران در تدوین سند ملی آموزش تا حدود زیادی دربردارنده راهبردهای موفقیت‌آمیز و حذف عوامل بازدارنده در جهت توسعه و ترویج آموزش و برابر سازی فرصت‌های آموزشی و آموزش حرفه‌ای برای دختران و پسران و فراهم‌کننده زمینه اشتغال برای جوانان و بزرگسالان بوده است.»

سند یونسکو بر مبنای انسان‌مداری استوار است درحالی‌که که سند تحول (فصل ۱ بند ۱) نگاهی الهی، انسانی و ایرانی به این مسئله دارد. این سند رویکردی متفاوت به مقوله جنسیت دارد. در منظر اسناد بین‌المللی تفکیک جنسیتی مصداق بارز تبعیض جنسیتی و خشونت جنسی است. درحالی‌که در سند تحول (راهکار ۵/۶-۲-۱۶-۱) متناسب با تفاوت‌ها و نقش متفاوت دختر و پسر و در نظر گرفتن آموزه‌های دینی طراحی و تدوین شدند. در نقشه جامع علمی کشور چشم‌انداز علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی: برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در طراز برترین‌های جهان (بند ۲-۱). این مسئله بیانگر تفاوت نظری بین این سند و دو سند داخلی است.

تأکید سند آموزش بر اهمیت آموزش حقوق بشر بر توسعه پایدار با آنچه در سند تحول (راهکار ۱۵/۱-۲/۱-۲/۵-۲/۵) آمده، مغایرت دارد. مبنای حقوق بشر در اسلام و آنچه در این سند آمده، متفاوت است. در سند تحول مبنای بر اساس آموزه‌های دینی است و رویکردش بر اساس اسلام و خدامحوری است. هدایت انسان‌ها به سمت تعالی است. درحالی‌که در سند یونسکو نگاه به انسان، نگاهی اومانیستی است. محور فقط انسان است. در نقشه جامع هدف استقرار جامعه دانش بنیان با برخورداری از انسان‌های شایسته همراه با اخلاق و دستیابی به علوم متناسب با نیازها است (بندهای ۲، ۳ و ۴)

در این سند اختصاص حداقل ۴ تا ۶ درصد از تولید ناخالص ملی و یا حداقل ۱۵ تا ۲۰ درصد از کل مخارج ملی به آموزش تأکید دارد، درحالی‌که در سند تحول بنیادین اختصاص بودجه بنا به امکانات و منابع هر کشور باید محقق شود (راهکار ۴/۲۰). این در حالی است که در نقشه جامع؛ افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش و فناوری داخلی به بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور اشاره دارد (بند ۵).

یونسکو در این سند متعهد است به حمایت از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی، تسهیل گفتگو برای سیاست‌گذاری، به اشتراک گذاشتن دانش و تدوین استانداردها، پایش پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف ویژه آموزشی، برقراری پیوند میان ذینفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی برای راهبری اجرای دستور کار ۲۰۳۰ برای آموزش ۲۰۳۰ که این محل تردید است. این در حالی است که در ایران مناسبات با سایر کشورها در چارچوب موازین اسلامی است. این مشارکت با اولویت جهان اسلام است که در سند تحول (راهکارهای ۱۱/۱۱ و ۱۱/۹) و در نقشه جامع دربندهای ۷ و ۸ هم بر آن تأکید شده است.

یونسکو سند آموزش را به عنوان ابزاری برای ترویج مردم‌سالاری، حقوق بشر و غیره می‌داند که با سند تحول (فصل اول- بند ۱) و سند نقشه جامع علمی کشور (بندهای ۳-۲، ۳-۴ و ۳-۵) تفاوت‌هایی آشکار دارد. همچنین سند یونسکو آموزش را ابزاری برای برابری میان زنان و مردان تلقی کرده است.

در این سند به برابری جنسیتی اشاره شده، درحالی‌که در نظام تربیتی اسلام با توجه به تفاوت‌های جنسیتی به دختران و پسران آموزش داده می‌شود. رویکرد این سند با آنچه در سند تحول (راهکارهای ۵/۶، ۱۶/۲، ۱/۱ و ۱۴/۲) آمده، متفاوت است.

سند یونسکو سیاست‌های عمومی تحول‌گرایانه برای پاسخ‌گویی به نیازهای یادگیرندگان متفاوت را موردتوجه قرار داده است. این در حالی است که هرگونه تحول‌گرایی در نظام تربیتی اسلام باید در چارچوب مبانی اسلامی باشد؛ که در سند تحول فصل هشتم بدان تأکید شده است.

برای اهداف بلند پروازانه این سند مجموعه‌ای از رویکردهای راهبردی پیش‌بینی شده است. این رویکردها در چشم‌انداز نظام آموزش و پرورش ایران موجب تحقق اهداف ۲۰۲۰ نیست، بلکه تحقق آن، سند راهبردی تحول بنیادین در آموزش و پرورش است که اشاره می‌کند به چشم‌انداز نظام آموزشی اعلامیه جهت‌گیری نظام آموزشی و بیانگر هویت و آرمان آن است که تصویری از مقاصد آینده نظام آموزشی کشور در افق ۱۴۰۴ را ترسیم می‌کند. این چشم‌انداز بر اساس اسناد بالادستی؛ قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، در افق ۱۴۰۴ ترسیم می‌شود (فصل اول بند ۱۱ و فصل چهارم چشم‌انداز).

محتوای آموزشی بر اساس سند یونسکو باید عاری از هرگونه تبعیض و خشونت باشد. در اسناد بین‌المللی تفکیک جنسیتی از مصادیق اعمال تبعیض و خشونت جنسی است. این در حالی است که در نظام تربیتی اسلام آموزش بر اساس تفاوت‌های جنسیتی است؛ دختران و پسران بر اساس تفاوت‌های جنسیتی آموزش می‌بینند؛ که به‌وضوح در سند تحول مورد تأکید قرار گرفته است (راهکارهای ۵/۶، ۱۶/۲ و ۱/۱) همچنین در نقشه جامع (بند ۳-۲).

در این سند به مفهوم آموزش باکیفیت که عبارت است از: ارتقای مهارت‌ها، ارزش‌ها، رویکردها و دانشی که شهروندان را برای یک زندگی سالم که استحقاق آن رادارند توانمند می‌سازد و به آنان کمک می‌کند تا بتوانند تصمیمات آگاهانه اتخاذ و با چالش‌های ملی و جهانی روبه‌رو شوند که این تعریف با سند تحول بنیادین که مقرر می‌دارد: از دانش‌های پایه و عمومی سازگار با نظام معیار اسلامی، همچنین از توان تفکر، درک و کشف پدیده‌ها و رویدادها به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت و نیز دانش، بینش و مهارت‌ها و روحیه مواجهه علمی و خلاق با مسائل فردی و خانوادگی و اجتماعی برخوردارند. فصل هفتم) و نقشه جامع علمی کشور (بند ۳-۲) تفاوتی آشکار دارد.

تعهد دولت‌ها به بومی‌سازی اهداف جهانی آموزش در چارچوب این سند با آنچه در سند تحول بنیادین (راهکار ۱۱/۹) آمده متفاوت است. چون بومی‌سازی این اهداف فقط در چارچوب موازین اسلامی ممکن است.

یکی از اهداف این سند تضمین اساس امنیت زنان و دختران در فضاهای یادگیری که برای ادامه تحصیل آنان ضروری است. چون همگام با بلوغ، دختر آسیب‌پذیرتر و بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند. این مسئله در سند تحول بنیادین در راهکارهای ۵/۶-۱۶/۲-۱/۱-۱۴/۲ به شکل مبرهنی آورده شده است.

۱۰-۲ مغایرت با سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

در سیاست‌های کلی در بند ۴۶ آمده است: «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.» این بند با رویکردی که در سند یونسکو حاکم

است، متفاوت است. چون مبانی سند یونسکو و نگاهش به زن تضادی کاملاً آشکار با آنچه در مبانی اسلامی آمده است دارد. همچنین بند ۷۵ سیاست‌های کلی مقرر می‌دارد: «اجرای سند تحول بنیادین آموزش و تأکید بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی» که با آنچه در متن سند یونسکو آمده است تفاوتی آشکار دارد.

با آرزوی توفیق دکتر علی کرمی

استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا.. (عج)

اهداف: جنبش اصلاح سبک زندگی ایرانی اسلامی

- ۱- احیای سبک زندگی ایرانی اسلامی در سراسر کشور برای داشتن جامعه ای سالم
- ۲- توسعه فرهنگ غذایی سالم ارگانیک و سنتی از مزرعه تا سفره
- ۳- حذف غذاهای صنعتی، فست فود، نوشابه ها و مواد شیمیایی در غذاها
- ۴- مصرف تنقلات سالم ایرانی بجای تنقلات صنعتی زبان آور
- ۶- اصلاح الگوی مصرف مواد غذایی به تغذیه سالم و صحیح (کاهش مصرف نمک، چربی، شکر و...)
- ۶- احترام به طبیعت، محیط زیست، پاکیزگی و نظم و اجرای دستورات زیبای اسلام
- ۷- کاهش تولید مواد آلاینده، کاهش مصرف کیسه ها و بطری های پلاستیکی و کاهش تولید زباله
- ۸- احیای فرهنگ زیبای عشق و محبت و دور هم بودن به جای توسعه فرهنگ مجازی و استفاده درست و بیجا از ابزارهای نوین
- ۹- توسعه فرهنگ آرامش و مقابله با فشارهای روانی استرس و اضطراب
- ۱۰- توسعه فرهنگ سحر خیزی، تحرک و ورزش و مقابله با بیماری های ناشی از عدم تحرک
- ۱۱- استفاده از وسایل نقلیه عمومی، توسعه دوچرخه سواری، طبیعت گردی، کشاورزی، عشق به طبیعت و فرهنگ ایرانی، اسلامی
- ۱۲- مقابله با جنبه های آسیب رسان فرهنگ غربی و جایگزینی آن با فرهنگ ایرانی و اسلامی.
- ۱۳- توسعه طب سنتی و مکمل ایرانی، اسلامی، در کنار بهره گیری از علوم و فناوری های نوین
- ۱۴- مقابله با آسیب های اجتماعی با توسعه فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی

به کانال جنبش ما بپیوندید: [telegram.me/eslahe Sabke Zendegi](https://t.me/eslaheSabkeZendegi)

اصلاح سبک زندگی

۶ اصل اساسی سلامت

- ۱- تغذیه سالم
- ۲- کاهش استرس و اضطراب
- ۳- ورزش و تحرک
- ۴- دعا و نیایش
- ۵- خواب صحیح
- ۶- احساسات مثبت

سبک زندگی در دیدگاه رهبری:

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خلع، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزشی، رفتار ما در رسانهای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با

بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

مقاله در وبسایت جرنیلان: www.jrnalan.com - 1391/07/22



